

متن پیاده سازی شده جلسه نود و چهارم سال پنجم درس خارج فقه القضا 6 خرداد ماه 1402

بسم الله الرحمن الرحيم

بیان حدیث

عن رسول الله (صلى الله عليه و آله و سلم): أَشَدُّ مِنْ يُتَمِّمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ يُتَمِّمِ الْيَتِيمَ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ.

به مناسبت بحث های شنبه ای که در محضر شما داریم و در آستانه تعطیلی تابستان هستیم این حدیث را انتخاب کردیم، یعنی می خواهم عرض کنم که مناسبت زمانی هم دارد ولو اینکه این روایت مناسبت هم لازم ندارد. حدیث معروف است و شاید این روایت از غیر پیامبر (ص) روایت هم شده باشد. رسول خدا (ص) یتیم را به دو قسم تقسیم می کنند:

الف. یتیمی که مردم تعریف می کنند. ب. یتیمی که اهل البیت (ع) تعریف می کنند.

اگر دقت کرده باشید در اسلام چنین بیاناتی زیاد است که از آن تعبیر به «تصرف در موضوع» می شود، مثلاً در مورد جاهل تصرف می کند به اینکه یک شخصی را شما به آن جاهل می گوئید و یک شخصی را ما به آن جاهل می گوئیم. یا یک کسی را شما عالم می دانید و یک کسی را ما عالم می دانیم. حالا در اینجا رسول خدا (ص) می خواهند بفرمایند یک یتیمی است که شما می گوئید معلوم است و آن اینکه بچه ای که از پدر منقطع شده باشد (مخصوصاً تا قبل از بلوغ) که از آن تعبیر به یتیم می کنند. اما رسول خدا (ص) می فرمایند: «أَشَدُّ مِنْ يُتَمِّمِ الْيَتِيمِ الَّذِي انْقَطَعَ عَنْ أُمِّهِ وَ أَبِيهِ يُتَمِّمِ الْيَتِيمَ انْقَطَعَ عَنْ إِمَامِهِ»، یک یتیمی داریم که او یتیم تر است و آن کسی است که راه و مصباح را گم کرده است؛ در اینجا راه و سبیل همان امام (ع) است.

«وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْوُصُولِ إِلَيْهِ»، حالا یک دفعه چنین است که انسان راهی ندارد و یک دفعه هم چنین است که راه دارد ولی بخاطر عدم درک و شعور راه را پیدا نمی کند که این هم «لا یقدر» است؛ بنابراین «لا یقدر» چه «لا یقدر» واقعی و تکوینی باشد یا «لا یقدر» در نتیجه باشد که به هر حال این شخص یتیم است.

این حدیث یک امید و یک ترس به ما می دهد. امید این است که وقتی انسان هایی منقطع از امام (ع) باشند و فرض هم بر این است که امام (ع) مهربان و دلسوز است، بالاخره در بزنگاه ها دستگیری می کند و چنین نیست که کسی یتیم را ببیند و برای او مهم نباشد تا چه رسد به امامی که پدر، رفیق و شفیق است و لذا امام (ع) در بزنگاه ها هوای شیعیان، حوزه ها و روحانیت را دارد.

ما دوستی داریم به نام آقای سید هاشمی زاده که قبلاً امام جمعه فیروزآباد بود و الان در قم ساکن است، ایشان نقل کردند آقای آشیخ نصرالله شاه آبادی (پسر آیت الله شاه آبادی بزرگ) که در مسجد گذر قلعه نماز می خواندند (که اخیراً فوت کردند) برای ما نقل کردند که در نجف بودیم و ما هم که آیت الله زاده از تهران به آنجا رفته بودیم، علمای نجف تصور می کردند بازار تهران در دست پدر ما است و لذا یکی از مراجع ما را خواست و گفت در پرداخت شهریه ماه آینده چیزی در دست نداریم و اگر پولی باشد کمک کنید که شهریه ماه بعد را تأمین کنیم. ایشان گفتند واقعه این است که خجالت کشیدم بگویم از این خبرها نیست و پدر ما مراجعه ای ندارد و اگر هم دارد اینقدر هم در دستش نیست. خلاصه اینکه به ایشان گفتم باشه.

با این حال که می دانستم خیری نیست، تا اینکه چند روز به آخر ماه مانده بود پیغام دادند که آخر ماه دارد می رسد. بعد من به حرم حضرت امیرالمؤمنین (ع) رفتم و از حضرت درخواست کردم. بعد روز اول و دوم ماه رسید خبری نشد، بعد روز سوم و

چهارم بود دیگر طرف دفتر آن مرجع نمی رفتم تا مرا نبیند. بعد از روز سوم و چهارم ماه داشتم عبور می کردم دیدم آن مرجع بزرگوار در راه به من رسید و خیلی تشکر کرد و گفت وجه خوبی فرستادید که نه تنها شهریه این ماه را پرداخت کردیم بلکه برای ماه بعدی نیز مشکلی نداریم.

همینطور دوست صدیق ما آقای آیت الله حسینی بوشهری پارسال (هفت بهمن) در جلسه جامع گفتند از دوران مدیریتم یک خاطره ای دارم و آن اینکه در دوره ای طلبه های زیادی سرازیر قم بودند و ما از نظر حجره پاسخگو نبودیم. بعد ایشان گفتند بخاطر این شرائط شب گریه کردم و متوسل شدم و گفتم ما اینجا به اسم مدیریت برای طلبه ها جارو کشی می کنیم و آن وقت برای یک حجره گیر کرده ایم.

بعد با حال ناراحتی وقتی وارد دارالشفاء شدم دیدم یک پیرمردی آمد و گفت من با یکی از مسئولین حوزه کار دارم، گفتم در خدمت هستم، گفتند این کلید فلان منزل است برای طلاب استفاده کنید. بعد گفتیم شما خودتان را معرفی کنید گفتند منم یک پیرمردی هستم. گفتم بعداً کلید را به چه کسی بدهیم گفتند حالا تا بعداً و رفت. در آن زمان کلّ مشکل ما را حلّ کرد. از این خاطرات که خیلی نمونه دارد می خواهم استفاده کنم که هیچ وقت حوزه، روحانیت و شیعه یتیم نمی شود و نگاه ما که وسیع تر است قائل هستیم هیچ وقت انسان از امام (ع) یتیم نمی شود و ما امام (ع) را «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» می دانیم و نه «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ»، کما اینکه در دعای آل یاسین و دعاهای دیگر همین را داریم و لذا درست است که انسان هایی یتیم هستند ولی یتیمی هستند که پدر معنوی هوای آن ها را دارد.

اما ترس این است که رسالت ما را سنگین تر می کند و بعداً ما و این ایتم را می آورند و می گویند چه کاری انجام دادید، لذا اینجا است که انسان باید حواسش جمع باشد. در خبرگزاری فارس آمده بود که در فلان استان تنها 20 % مساجد امام جماعت دارند و از حدود 63 هزار مسجد شیعی حدود 29 هزار وعده برگزاری نماز دارند (که آن هم بعضاً یک وعده نماز و بعضاً دو وعده نماز و قلیلاً سه وعده نماز) و سه چهارم مساجد آن استان تعطیل است، اما در همان استان هر کدام از مساجد اهل عامه بین دو الی سه امام جماعت دارند که حدود 5 الی 10 میلیون از شورای علماء خلیج فارس حقوق دریافت می کنند و مساجد هم شبانه روزی باز است.

الان عموم مساجد در شهرها نمی توانند روحانیان را اداره کنند. در اینجا یک آمارهایی هم برای همین تبلیغ داریم، مثلاً در مثل پاکستان و هندوستان همایش مبلغان دارند، به عنوان مثال در لاهور پاکستان در سال بیش از 500 هزار نفر مبلغ در منطقه رانی وند در لاهور شرکت می کنند و بعد در پاکستان و خارج آن با کمترین امکانات به مدت چهل روز یا چهار ماه یا حتی یک سال برای امر تبلیغ با به کارگیری شیوه زندگی بسیار ساده به تبلیغ می روند.

همچنین آمارهای دیگر مثلاً در پاکستان 460 مدرسه علمیه شیعی با 18 هزار طلبه قرار دارد؛ اهل عامه دیوبندی 18 هزار و 600 مدرسه با بیش از 2 میلیون نفر طلبه؛ بریلوی با 9 هزار مدرسه با 1 میلیون و 300 هزار نفر طلبه؛ یکی دیگر با 1400 مدرسه با 40 هزار نفر طلبه؛ یکی دیگر هم با 1000 هزار مدرسه با بیش از 1 میلیون نفر طلبه.

لذا یک مقداری باید در تابستان حواسمان باشد اگر زمینه هایی وجود دارد پاسخ ردّ ندهیم و اگر بتوانیم کاری انجام دهیم کوتاهی نکنیم و بخش عظیمش هم این است که انسان دست یتیم را بگیرد و البته خداوند متعال هم ﴿بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطًا﴾ است.

نقد و تحقیق در مسأله

در مسأله بعد از اینکه کلمات علماء را ذکر کردیم نوبت به نقد و بررسی آن رسید و چون این دوتا از هم جدا نیست، دوتا عنوان جدای از هم ایجاد نکردیم.

1. لزوم نگاه طریقی به ابزارها و کارشناسی های نوین

مطلب اول اینکه این ابزارها در کارشناسی و باب قضاوت (که البته این دو از هم جدا نیستند) مثل اقرار و بیّنه نیست و اگر مثل آن ها بود آن وقت خودش موضوعیت داشت، اما با این حال در سیستم اسلام ما یک ادله مثل اقرار و بیّنه داریم ولی سایر موارد ابزار است و اگر موجب علم و اطمینان (و ظنّ) قاضی شود بحثی در آن نیست و الا این ها موضوعیت ندارند.

پرسش

سؤال اول: اینکه می گویند اقرار معتبر است، مثلاً در تصادفات گاهی افراد به تقصیر اقرار می کنند، به این نحو که طرف مقابل با اینکه بیمه ندارد به طرف دیگر که بیمه دارد می گوید اقرار کند که او مقصر بوده تا خسارت را از بیمه بگیرند، حالا در اینجا

اگر قاضی به آن علم داشته باشد آیا باز هم اقرار موضوعیت دارد؟

جواب: در اینطور موارد این اقرارها ارزشی ندارد، چون این اقرار در حقّ خودش نیست و در واقع اقرار به ضرر بیمه و به نفع شخص دیگری است و حال آنکه آن اقراری که (به تعبیر حقوقدان ها) شاه دلیل است (و حتی مرحوم نائینی فرمودند با علم به خلاف باز هم حجت است) در صورتی است که اقرار بر علیه خودش باشد.

سؤال دوم: آیا استناد قضایی و کارشناسانه به ابزارهای نوین متعدد را می توان در ذیل مکتب مرحوم شیخ انصاری یعنی تراکم ظنون قرار داد، مثلا مرحوم شیخ اجماع را ردّ می کنند اما در «لکن الانصاف»ها اجماع را هم قبول دارند، حالا آیا همین کار را می توان در ابزارهای نوین متعدد انجام داد، مثلا از کنار هم قرار دادن آزمایش ژنتیک، فیلم و اثر انگشت به علم رسید، آیا تعدد شرط است یا با یک نمونه مثلا فقط با آزمایش می توان به علم رسید؟

جواب: خیر، اتفاقاً مقام قضایی می تواند با کنار هم گذاشتن چندتا نشانه به علم برسد، منتهی بعضی ها قائل هستند که این علم باید از حساً باشد و الا اگر اجتهاداً باشد آن وقت دیگر ارزش ندارد.

2. اعتبار و عدم اعتبار استناد؛ تابعی از اختلاف مبانی، موارد، ابزارها و شرایط

در اینجا چهار نکته قرار دارد که چون همجنس هستند باید در ذیل یک عنوان قرار بگیرند:

الف. اعتبار و عدم اعتبار استناد، تابعی از اختلاف مبانی.

ب. اختلاف موارد.

ج. اختلاف ابزارها.

د. اختلاف شرایط.

اختلاف مبانی: حالا وقتی از یک مجتهد سؤال می شود که آیا قاضی و کارشناس می تواند به ابزارهای نوین اعتماد کند، جوابی که مطرح می کند باید مبانی را در نظر بگیرد و اینجاست که گاهی فقیه خوش حواس با فقیه کم حواس از هم جدا می شوند.

حالا اگر در نکته اول گفتیم این ابزارها طریقت دارد و نه موضوعیت، در اینجا نباید مطلقاً نفی و اثبات قائل شویم. لذا اگر مبنا این است که قاضی می تواند به علمش عمل کند و این ابزارها علم آور باشد چرا مورد پذیرش قرار نگیرد؟! بله، اگر مبنا این باشد که قاضی نباید به علمش عمل کند بحث دیگری است، کما اینکه بعضی ها قائل هستند علم قاضی اعتبار ندارد، نه در حقّ الله و نه در حقّ الناس. بنابراین وقتی نسبت به ابزارها می رسیم باید مبانی گذشته را در نظر بگیریم. یا مثلا قبلا در مورد اطمینان بیان کردیم در مواردی اطمینان کفایت می کند البته به شرطی که دلیلی بر خلاف آن نباشد، چون اگر دلیلی باشد آن وقت قاضی باید به دنبال دلیل باشد و نه وصف نفسانی خودش؛ یعنی استناد و عدم استناد تابعی از مبانی گذشته است.

اختلاف موارد: قبلا بیان کردیم در شریعت مطهر باب حدود با سایر ابواب متفاوت است، برای اینکه در حدود روایت «تدرأ الحدود بالشبهات» را داریم اما آیا این روایت را در دعاوی مدنی و کیفری هم داریم؟

حالا مثلا بر اساس ابزارهای نوین در مورد پرونده ای ارتباط بین دو پسر را ثابت کند، در اینجا حکم لواط و تعزیر ثابت نمی شود ولی اگر مسأله مالی باشد ممکن است از آن استفاده کرد، مثلا در تصادف بین دو ماشین، با استفاده از ابزارهای نوین رنگ ماشین دیگری را در ماشین دیگر کشف می کنند. لذا ممکن است در باب حدود و تعزیر سخت-گیری شود. و ما هم قبلا در تعزیرات علم را پذیرفتیم ولی اطمینان را نپذیرفتیم و نسبت به قاعده «تدرأ الحدود بالشبهات» در نهایت آن را پذیرفتیم.

اختلاف ابزارها: این مسأله بحث سختی نیست و بالاخره کشورها از حیث ابزار کشف در یک حدّ نیستند و حتی از حیث متخصص هم در یک حدّ نیستند. یا در مورد ابزارها کشوری ادعا کند پیشرفته ترین ابزار را دارد، ممکن است این ابزار در ده سال دیگر ابزار دسته دوم باشد.

ما در اینجا می خواهیم یک گریزی به نقد بعضی از اعلام بزینم که بیان کردند این ابزارها علم آور نیست، چرا که موارد متفاوت است و ممکن است در سال های آینده وسیله ای ساخته شود که هیچ خطائی نداشته باشد.

اختلاف شرایط: همانطور که گفته شد ممکن است تصرفاتی در زن بشود و اگر واقعا چنین باشد ممکن است یک زمانی اماریت خودش را از دست بدهد، لذا باید شرایط را هم در نظر گرفت و به همین خاطر باید در شرائط عادی نظر بدهیم.

الحمد لله رب العالمین